

مطالعه‌ی رابطه‌ی حداقل دستمزد و فقر در ایران

سعید عیسی‌زاده^{*۱}

عدنان محمدی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱/۳۱

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۱/۲۰

چکیده

حداقل دستمزد یکی از متغیرهای مهم سیاست‌های بازار کار در سطح جهانی است. زیرا یکی از اهداف مهم اقتصادی-اجتماعی دولت‌ها، حمایت و پیش‌تنبانی از نیروی کار جهت حفظ و ارتقای قدرت خرید و رفاه زندگی و تأمین امنیت شغلی آنان با استفاده از اهرم حمایتی حداقل دستمزد می‌باشد. به دلیل ارتباط میان حداقل دستمزد و کاهش سطح فقر این سیاست به یکی از ابزار اصلی جهت کاهش فقر در میان اکثر کشورها تبدیل شده است. هدف اصلی این تحقیق بررسی رابطه‌ی حداقل دستمزد بر فقر در اقتصاد ایران می‌باشد. در این مطالعه برای انجام آزمون همگرایی و تخمین مدل از الگوی خود توضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL) استفاده شده است. برای این منظور، داده‌های سری زمانی سالانه اقتصاد ایران طی دوره‌ی ۱۳۸۷-۱۳۶۳ به کار گرفته شده است. طی دوره مورد بررسی یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رابطه میان حداقل دستمزد و نرخ فقر منفی و معنی‌دار می‌باشد. می‌توان نتیجه گرفت که دولت با افزایش حداقل دستمزد، ضمن حفظ قدرت خرید کارگران در شرایط تورمی، نرخ فقر را به طور معنی داری کاهش دهد.

کلید واژه‌ها: حداقل دستمزد، نرخ فقر، بیکاری، تورم، یارانه‌های مصرفی

طبقه‌بندی JEL : J31, J38, J39

مقدمه

حداقل دستمزد^۱ یکی از متغیرهای مهم سیاست‌های بازار کار در سطح جهانی است بطوری‌که دولت‌ها با توجه به اهداف مورد نظر حداقل دستمزدها، با اتخاذ سیاست‌هایی به تعیین حداقل دستمزد می‌پردازند که این حداقل همواره بالاتر از دستمزد تعادلی است.^۲ در حال حاضر اکثر کشورهای عضو سازمان بین‌المللی کار مقاله‌های^۲ مربوط به حداقل دستمزد را پذیرفته‌اند و بسته به شرایط اقتصادی و اجتماعی کشورشان حداقل دستمزد را پیاده کرده‌اند.^۳ به دلیل آثار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، بررسی ابعاد حداقل دستمزد یکی از مباحث قدیمی در اقتصاد کار می‌باشد. آنچه مطرح است اینکه در تعیین حداقل دستمزد در نظر گرفتن ابعاد اقتصادی، حقوقی و اجتماعی مهم است که از یک طرف افزایش دستمزدها موجب افزایش قیمت‌ها نگردد و حداقل زندگی برای اقشار مختلف تأمین گردد و از طرف دیگر به تناسب افزایش تولید انجام پذیرد. همواره فقر به عنوان یک مسئله جهانی مطرح بوده است اما از اواخر دهه ۷۰ و بویژه با شروع دهه ۸۰ به دلیل پذیرش برنامه اصلاح ساختاری، آزادسازی و خصوصی ساری توسط بسیاری از کشورهای جهان فقر و حمایت از گروه‌های آسیب پذیر با شدت بیشتری مورد توجه قرار گرفت. بسیاری از اندیشمندان بر این گمان بودند و هستند که اجرای برنامه‌های اقتصادی فوق‌الذکر، گروه‌های کم درآمد را متاثر می‌سازد و فقر را افزایش می‌دهد. فقر در کلیه کشورها رخ می‌دهد. در کشورهای در حال توسعه که متوسط درآمد در آن‌ها پائین است شدت فقر بالا و در کشورهای پیشرفته که سطح درآمد آن‌ها بالا است شدت فقر پائین می‌باشد. در بین فقرا، افراد بسیار فقیری وجود دارند که قادر به دستیابی به بیشتر نیازهای اولیه و اساسی زندگی خود نمی‌باشند و در نتیجه بیشتر این افراد قادر به تأمین نیازهای اولیه حیات نیستند. فقر علاوه بر کسانی که از نیاز مداوم، گسترده و عمیق رنج می‌برند شامل فقرایی می‌شود که مجبورند در سطحی کمتر از استانداردهای قابل قبول در یک دوره زمانی زندگی کنند و از ارزش‌های اجتماعی نیز محروم باشند. در این حالت نمی‌توان فقر را به صورت مطلق در نظر گرفت و مسئله فقر نسبی مطرح می‌شود. نابرابری در درآمد و ثروت شرایط فقر نسبی را پدید می‌آورد.

1. Minimum Wage

۲. مقاله‌های شماره ۲۶، ۹۹، ۱۳۱ و توصیه‌نامه‌های شماره‌ی ۳۰، ۸۹ و ۱۳۵ سازمان بین‌المللی کار

حداقل دستمزد

تعاریف مختلفی از واژه «حداقل دستمزد» ارائه شده است که برخی از آن‌ها به صورت ذیل می‌باشد:

- حداقل دستمزد، پایین‌ترین سطح دستمزدی است که براساس قانون نیروی کار در اقتصاد و یا بخش‌هایی در اقتصاد تعلق می‌گیرد.
 - حداقل مزد عبارتست از نرخ‌های مزدی که از طریق قانون یا مذاکرات دسته جمعی برقرار می‌گردد و با مزدهای پایین‌تر از این نرخ‌ها نمی‌توان کارگران را استخدام نمود یا به عبارت دیگر مزدها نمی‌توانند و نباید از این حد پایین‌تر باشند و پرداخت آن باید به صورت نقدی باشد و پرداخت‌های غیر نقدی که در قراردادها پیش‌بینی می‌شود به عنوان پرداختی تلقی می‌شود که اضافه بر حداقل دستمزد است.
- در قانون کار جمهوری اسلامی ایران مصوب آبان ماه ۱۳۶۹، ماده ۴۱، فصل سوم، حداقل مزد به صورت زیر تعریف می‌شود:
- حداقل مزد بدون آنکه مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی‌های کار محول شده را مورد توجه قرار دهد، باید به اندازه‌ای باشد تا زندگی یک خانوار که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می‌شود را تأمین نماید.

مفاهیم و تعاریف فقر

برای آن‌که بتوان درک درستی از مفهوم فقر به دست آورد، لازم است ابتدا مروری کوتاه به انواع خط فقر و تعریف آن داشته باشیم. فقر را می‌توان از جهات گوناگون تعریف و تقسیم‌بندی نمود:

۱. از نظر زمانی: فقر دائمی و فقر موقتی
 ۲. از نظر بعد و وسعت: فقر موردی و فقر فراگیر
 ۳. از نظر کیفیت: فقر مادی و فقر معنوی
 ۴. از سایر جهات: فقر مطلق، فقر نسبی، فقر ذهنی و ...
- فقر موقتی معمولاً در شرایط ویژه و برای دوره‌ای خاص به وجود می‌آید. شرایط نامساعد اقلیمی و یا بلایای طبیعی مانند سیل، زلزله و ... یا حوادث اجتماعی مثل جنگ، بحران و ... منجر به این نوع فقر می‌شوند که به سرعت قابل کنترل است. اما فقر دائمی، اشاره به شرایطی دارد که در آن یک فرد خاص در طول زندگی خود دچار نوعی سکون و پایداری از نظر اجتماعی و اقتصادی بوده و قادر نیست خود را از آن شرایط خارج سازد.

فقر موردی^۱ به برخی جوامع خاص مربوط می‌شود و برای عده‌ای خاص مطرح است ولی فقر فراگیر^۲ قشر کثیری از جامعه را در برمی‌گیرد و بیشتر شامل حال جوامع روستائی می‌شود. فقر مادی عبارت است از ناتوانی در کسب معاش و گذران زندگی روزمره، در حالی که فقر معنوی، گستره‌ای است به وسعت مسائل اجتماعی، که موضوع آن هر یک از جهات و ابعاد حیات اجتماعی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. به عبارت دیگر فقر معنوی در حقیقت همان سلب امکان اندیشیدن صحیح در میان افراد است، که باعث می‌شود نتوانند با اندیشه سالم وضعیت خودشان را در جامعه بهبود دهند.

بنا به تعریف، فقر مطلق از محرومیت یا ناتوانی فرد در تأمین حداقل نیازهای ضروری و اساسی سرچشمه می‌گیرد. هرچند که مفهوم حداقل نیازهای ضروری نیز خود مفهوم ثابتی نبوده و معمولاً در طی زمان یا از مکانی به مکان دیگر تغییر پیدا می‌کند. فقر نسبی، عبارت است از ناتوانی در کسب یک سطح معین از استانداردهای زندگی که در جامعه فعلی لازم یا مطلوب تشخیص داده شده است. خط فقر نسبی و شاخص‌های فقر نسبی بیش از آن که نمایانگر فقر باشند میزان نابرابری توزیع درآمد در جامعه را نشان می‌دهد. زیرا تنها تغییرات نابرابری توزیع درآمد در جامعه بر آن‌ها اثر می‌گذارد و رشد و توسعه اقتصادی-اجتماعی جامعه اندازه آن را تغییر نمی‌دهد. در حالی که خط فقر مطلق در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی-اجتماعی تغییر می‌کند

خط فقر: تعاریف و نحوه اندازه‌گیری

در مطالعات پیرامون فقر، خط فقر نقش بسیار کلیدی دارد و اساساً محاسبه انواع شاخص‌های فقر منوط به محاسبه خط فقر است. خط فقر ابزاری است که به کمک آن فقیرها از غیر فقیرها جدا می‌شوند. خط فقر برابر است با میزان منابعی که فرد (خانوار) نیاز دارد تا به یک سطح معینی از رفاه موسوم به آستانه فقر دست یابد. مارتین راولیون خط فقر را چنین تعریف می‌کند: «خط فقر عبارت است از مخارجی که یک فرد در یک زمان و مکان معین برای دسترسی به یک سطح معین رفاه (آستانه فقر) متحمل می‌شود.»

در مطالعات کاربردی برای اندازه‌گیری شاخص‌ها اغلب از درآمد و مخارج مصرفی به عنوان معیاری از رفاه استفاده می‌شود. خط فقر عبارت است از مخارجی که یک فرد در یک زمان و مکان معین برای دسترسی به یک سطح حداقل رفاه متحمل می‌شود. افرادی که به این سطح رفاه

1. Case Poverty
2. Mass Poverty

دسترسی ندارند فقیر تلقی می‌شوند و کسانی که به این سطح رفاه حداقل و بالاتر از آن دسترسی دارند غیر فقیر می‌باشند.

برآورد خط فقر در جوامع شهری و روستایی براساس نیاز کالری

اگر فرض شود هر نفر در روز تنها به ۲۳۰۰ کالری انرژی نیاز دارد در آن صورت میزان خط فقر برآوردی در طی سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۷ در جدول (۱) نشان داده شده است. این نتایج نشان می‌دهد که یک نفر شهری در ماه برای تأمین حداقل رفاه خود نیاز به ۱۱۴۷۰ ریال در سال ۱۳۶۳ داشته است که در سال ۱۳۷۹ این رقم به ۱۶۱۹۲۸.۵ ریال افزایش یافته است. رشد سالانه خط فقر ۱۸ درصد بوده است. برای جوامع روستایی خط فقر بر پایه نیاز به ۲۳۰۰ کالری در سال ۶۳ برای هر نفر در ماه ۳۶۹۸ ریال برآورد گردیده که در سال ۷۹ این رقم به ۸۹۳۸۳ ریال افزایش یافته، یعنی سالانه رشدی معادل ۲۲ درصد داشته است.

جدول (۱): برآورد خط فقر جوامع شهری و روستایی بر پایه نیاز به ۲۳۰۰ کالری در روز طی

سال‌های ۶۳ تا ۸۷

سال	نرخ فقر		سال	نرخ فقر		سال	نرخ فقر	
	شهری	روستایی		شهری	روستایی		شهری	روستایی
۱۳۶۳	۱۱۴۷۰	۳۶۹۸	۱۳۷۲	۵۱۶۹۱	۲۷۰۶۲	۱۳۸۱	۲۳۰۱۳۴	۱۲۵۵۶۳
۱۳۶۴	۱۳۹۳۹	۵۰۱۸	۱۳۷۳	۷۵۹۸۴	۴۲۳۹۰	۱۳۸۲	۲۹۳۰۵۲	۱۶۱۸۴۵
۱۳۶۵	۱۳۳۶۰	۶۲۲۲	۱۳۷۴	۵۹۵۰۷	۴۲۳۴۸	۱۳۸۳	۳۵۸۹۰۸	۱۹۷۲۹۹
۱۳۶۶	۲۲۵۳۹	۸۸۱۳	۱۳۷۵	۸۱۵۲۳	۴۸۳۹۸	۱۳۸۴	۳۹۸۳۴۷	۲۲۳۰۷۵
۱۳۶۷	۲۶۳۹۶	۱۶۵۷۹	۱۳۷۶	۸۵۶۰۴	۵۸۵۳۸	۱۳۸۵	۴۶۶۸۶۳	۲۶۷۸۰۴
۱۳۶۸	۲۱۵۷۲	۹۳۴۷	۱۳۷۷	۱۱۶۹۰۲	۶۴۷۲۱	۱۳۸۶	۵۶۳۲۹۲.۶	۳۱۷۶۷۵
۱۳۶۹	۲۳۴۲۷	۱۲۳۰۵	۱۳۷۸	۱۳۸۰۰۸	۶۸۰۵۲	۱۳۸۷	۷۳۸۲۶۲.۶	۴۳۱۸۷۸
۱۳۷۰	۲۱۸۷۵	۱۸۰۸۲	۱۳۷۹	۱۶۱۹۲۸.۵	۸۹۳۸۳	-	-	-
۱۳۷۱	۳۲۲۵۱	۲۰۱۰۴	۱۳۸۰	۱۸۶۳۸۴	۱۰۱۸۹۷	-	-	-

منبع: مطالعات بانک مرکزی ایران

شاخص درصد افراد زیر خط فقر (نرخ فقر)

معیاری است که از آن در سطح وسیعی استفاده شده است و به طور ساده نسبت جمعیت فقیر به کل جمعیت را نشان می‌دهد. این شاخص را به صورت زیر می‌توان نشان داد:

$$P_0 = \frac{N_p}{N}$$

که در آن N_p تعداد فقرا و N کل جمعیت (یا نمونه) است.

مروری بر مطالعات تجربی

مطالعات انجام شده پیرامون موضوع، گویای اهمیت توجه به رابطه‌ی میان حداقل دستمزد و نتیجه آن بر فقر در سیاست‌گذاری‌های بازار کار است. مطالعاتی که با حمایت بانک جهانی در رابطه با استراتژی‌های کاهش فقر منتشر شده‌است نمونه‌هایی از سیاست حداقل دستمزد که مستقیماً به نفع فقرا بوده‌است را ارائه می‌کند. یکی از این نمونه‌ها کلمبیا است، که حداقل دستمزد در این کشور بطور موفقیت آمیزی توسط اتحادیه‌های کارگری که مستقیماً در کاهش فقر سهیم می‌باشند، حمایت شده‌است. خصوصاً حمایت از کارگران زن در صنعت نساجی (تنها گروهی که حداقل دستمزد را دریافت می‌کنند) نقش مهمی را در کاهش فقر روستایی ایفا کرده‌است. علاوه بر این مطالعات متعددی نشان می‌دهند در کشورهای با سطح مشابه توسعه، کشورهای با حداقل دستمزد بالاتر فقر کمتری را تجربه کرده‌اند. حتی اگر این تاثیر کم بوده باشد. همبستگی قوی بین حداقل دستمزد بالا و نرخ پایین فقر بیشتر مدیون عملکرد کشورهای است که عمیقاً موفق به کاهش فقر شده‌اند. اغلب مطالعات بر ارتباط بین حداقل دستمزد و سطح اشتغال متمرکز شده‌اند و تنها بخش کوچکی از آن‌ها به بررسی تاثیرات این سیاست در کاهش فقر و نابرابری پرداخته‌اند.

توماس و ونلسکو (Thomas & Volscho, 2005) با استفاده از اطلاعات طولی ۱۰ ایالت آمریکا طی سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۶۰ به بررسی تاثیر سیاست افزایش حداقل دستمزد بر کاهش نابرابری پرداختند. نتایج این تحقیق با تایید فرضیه‌های اقتصاد رسمی مبتنی بر کاهش نابرابری‌های درآمدی در نتیجه افزایش حداقل دستمزد، وجود یک رابطه مثبت و معنی‌دار غیر خطی بین ضریب جینی و حداقل دستمزد را نشان داده‌اند.

ویدر (Vedder & Gallaway, 2002) در مطالعه‌ای تحت عنوان "حداقل دستمزد و فقر در میان کارگران تمام وقت" رابطه حداقل دستمزد و نرخ فقر را بررسی کرده‌اند. ایشان معتقدند که در اکثریت قریب به اتفاق از رگرسیون، ارتباط آماری معنی‌داری بین میزان فقر و حداقل دستمزد

وجود دارد. ویدر فقر را در مقابل حداقل دستمزد (MWage)، نرخ بیکاری برای کارگران غیر نظامی (Unem) و میزان پرداخت‌های انتقالی فدرال به عنوان یک درصد از تولید ناخالص داخلی (Tran) رگرسیون کرده است که مدلی مورد بررسی آن به صورت زیر می باشد.

$$Poverty = MWage + Unew + Tran + \epsilon_i$$

در این مدل رابطه بین فقر و حداقل دستمزد منفی برآورد شده است. در مقابل یک رابطه مثبت قوی بین نرخ بیکاری و نرخ فقر را انتظار داریم. میزان ضریب متغیرهای مدل و مقدار آماره t که از برآورد مدل بدست آمده به صورت زیر می باشد.

$$POVERTY = 10.756 - 0.410 MWAGE + 0.635 UNEM - 0.001 TRAN$$

(5.00) (0.69) (5.75) (0.27)

$$R^2 = 0.980 \quad D-W = 1.89 \quad F = 392.02 \quad ARIMA(1,1)$$

با توجه به یافته‌های مدل مقدار ضریب حداقل دستمزد مقداری منفی به دست آمده است که به ازای یک درصد تغییر در حداقل دستمزد میزان فقر ۰.۴- نرخ فقر تغییر می کند. نتیجه‌ای که ویدر و همکاران گرفته‌اند این است که شواهد تجربی قوی است که حداقل دستمزد کوچک یا بی اثر بر روی فقر آمریکا می باشد. در واقع، شواهد قوی‌تری است که حداقل دستمزد گاهی اوقات باعث افزایش فقر می شود.

ماری و مکزی (Murray & Mackenzie, 2007) معتقد است ناهمگن و غیر متجانس بودن گروه‌های دریافت کننده حداقل دستمزد، از جمله دلایل تاثیرات متفاوت اعمال این سیاست در اقتصادهای مختلف می باشد. هر قدر سهم کارگران دریافت کننده حداقل دستمزد که متعلق به دهک‌های پایین درآمدی بوده‌اند، بیشتر باشد، قدرت بالقوه این سیاست در کاهش فقر و نابرابری افزایش می یابد. همچنین به نظر می رسد اغلب مطالعات انجام گرفته در خصوص تاثیر منفی حداقل دستمزد بر تورم و بیکاری اغراق آمیز و بدون توجه به آثار سایر سیاست‌های نامناسب اقتصادی - اجتماعی بر تورم و بیکاری و توزیع درآمد می باشد.

ریچارد و ژوزف^۱ (۲۰۰۸) اکثر کسانی که از افزایش حداقل دستمزد سود می برند در فقر یا در خانواده‌های نزدیک به فقر زندگی نمی کنند. علاوه بر این، بخش بزرگی از کار فقیر با این چنین افزایش‌ها تحت تاثیر واقع نمی شود چرا که آنها در حال حاضر دستمزدی بالاتر از حداقل پیشنهاد بدست می آورند. شواهد مقدماتی در این مقاله نشان می دهد که افزایش حداقل دستمزد استرالیا برای دلایل مشابه روی کاهش فقر موثر نیست.

1. Richard and Joseph

عیسی زاده و همکاران (۱۳۸۳) با استفاده از روش داده-ستانده تاثیر افزایش حداقل دستمزد را بر سطح عمومی قیمت‌ها در بخش صنعت بررسی می‌نمایند. اثر افزایش در حداقل دستمزدها را بر قیمت کالاها و خدمات در بخش صنعت در کشورمان با استفاده از جدول داده ستانده سال ۱۳۸۰ مورد ارزیابی قرار دهد. نتایج بدست آمده نشانگر اثر مثبت تعیین حداقل دستمزد بر قیمت‌ها به شیوه کنونی می‌باشد که بطور متوسط افزایش ۰/۲۱ تا ۰/۶۱ درصدی را در قیمت‌های بخش صنعت در سناریوهای مختلف نشان می‌دهد.

الگوی تحقیق

در این قسمت با بهره گرفتن از مبانی نظری به برآورد مدل تجربی متغیرهای تاثیرگذار بر نرخ فقر می‌پردازیم. با توجه به مطالعات تجربی و کاربردی در زمینه بررسی عوامل موثر بر فقر، نرخ فقر را می‌توان تابعی از موارد زیر در نظر گرفت.

الف) حداقل دستمزد که براساس توافق میان کارفرما و نمایندگان کارگران در پایان هر سال در اسفند ماه تعیین می‌شود. در ایران این سطح دستمزد بر اساس تشخیص مراجع قانون‌گذاری و با توجه به نرخ تورم تعیین می‌شود.

ب) نرخ بیکاری که به صورت زیر محاسبه می‌گردد

$$\text{نرخ بیکاری} = \frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}} \times 100$$

پ) نرخ تورم که به صورت زیر محاسبه می‌گردد.

$$\text{نرخ تورم} = \frac{P_t - P_{t-1}}{P_{t-1}} \times 100$$

P_t و P_{t-1} شاخص قیمت دوره‌های t و $t-1$ می‌باشند.

ت) یارانه‌های مصرفی که به اقلام اصلی موجود در سبد مصرفی خانوار تعلق می‌گیرد.

داده‌های به کار گرفته شده نرخ فقر به دلیل فقدان آن در سال‌های قبل از ۱۳۶۳ از همان سال یعنی ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۷ می‌باشد اما دیگر متغیرهای بکار رفته در این تحقیق به صورت سری زمانی، متعلق به کشور ایران و برای بازه زمانی طولانی تر موجود می‌باشد که به تبعیت از متغیر نرخ فقر دوره زمانی تحقیق مورد نظر از سال‌های ۸۷-۱۳۶۳ می‌باشد.

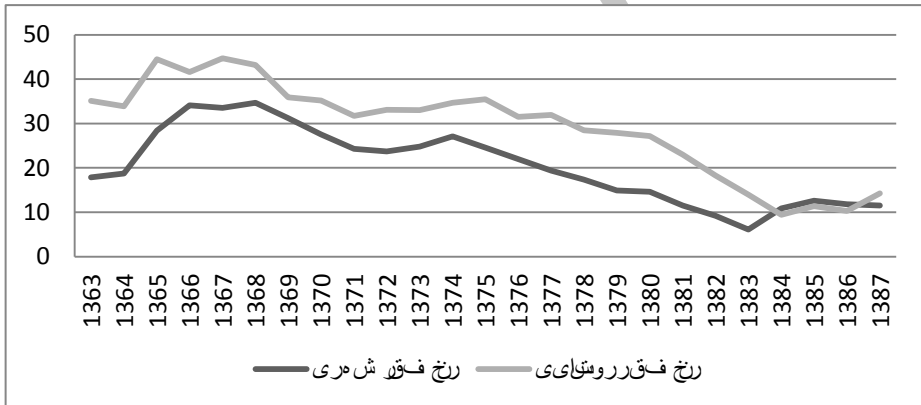
نرخ فقر

داده‌های نرخ فقر که در این پژوهش استفاده شده بر اساس نیاز روزانه هر فرد به کالری را معادل ۲۳۰۰ کالری به دست آمده است و نرخ فقر معیاری است که از آن در سطح وسیعی استفاده شده است و به طور ساده نسبت جمعیت فقیر به کل جمعیت را نشان می‌دهد. این شاخص را به صورت زیر می‌توان نشان داد:

$$P_0 = \frac{N_p}{N}$$

که در آن N_p تعداد فقرا و N کل جمعیت (یا نمونه) است. با توجه به محدود بودن داده‌ها ناچار شدیم که به همین تعداد داده یعنی از سال ۱۳۶۳ تا سال ۱۳۸۷ بسنده کنیم. که روند تغییر نرخ فقر شهری و روستایی در نمودار زیر طی سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۷ را نشان می‌دهیم.

نمودار (۱) نرخ فقر شهری و روستایی طی سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۷



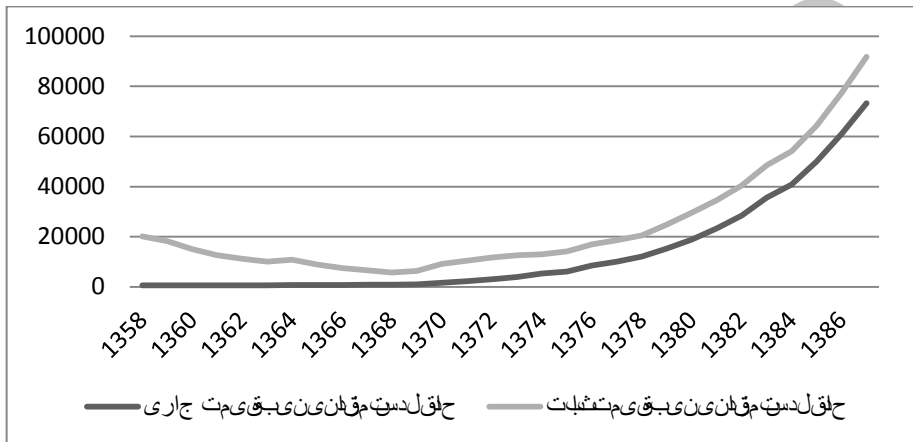
منبع: یافته‌های محقق

حداقل دستمزد

در ماده ۴۱ فصل سوم قانون کار جمهوری اسلامی ایران (مصوب آبان ماه ۱۳۶۹)، حداقل دستمزد این گونه تعریف شده است: « منظور از حداقل دستمزد، کف مزدی است که بدون توجه به میزان بهره‌وری کارگر و مشخصات جسمی و روحی او، به نحوی تعیین می‌شود که زندگی یک خانوار که تعداد متوسط آن هر سال توسط مراجع رسمی تعیین می‌شود را تأمین کند. » بر اساس این ماده، دولت موظف است که همه ساله حداقل دستمزد را با توجه به دو معیار نرخ تورم بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سبد حداقل معیشت خانوارهای کارگری، تعیین کند. بنابراین حداقل

دستمزدی که کارگران دریافت می‌کنند یکی از منابع درآمد اسمی ثابت می‌باشد به نوعی میزان درآمد آن‌ها می‌باشد و میزان درآمد فرد بر نرخ فقر تأثیر دارد اما وجود شرایط تورمی می‌تواند این تأثیر حداقل دستمزد را تحت الشعاع قرار دهد و حتی آن را خنثی کند. نمودار زیر روند میزان حداقل دستمزد به قیمت جاری و ثابت را طی سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۷ را نشان می‌دهد.

نمودار (۲) حداقل دستمزدهای روزانه به قیمت جاری و ثابت



منبع یافته‌های محقق

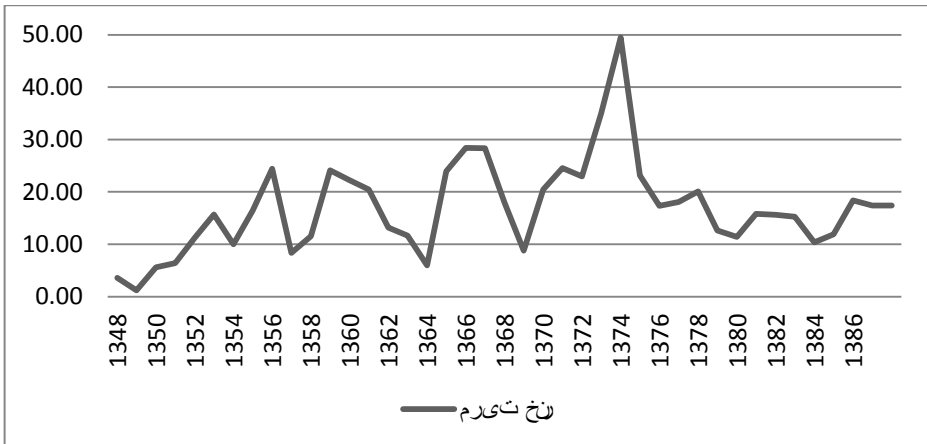
نرخ تورم

تورم در ایران از اواخر دهه ۱۳۴۰ به صورت جدی پدیدار گشت و تا اواخر دهه ۱۳۵۰ تحت تأثیر عوامل ساختاری مانند تکیه بر درآمدهای نفتی در قالب برنامه‌های مالی، عدم تعادل در تجارت خارجی، عدم تعادل در بافت بودجه دولت، عدم تعادل در ترکیب بخش‌های اقتصادی، عدم تعادل بین مناطق اقتصادی کشور، دوگانگی شیوه تولید، فقدان حلقه‌های واسط در زنجیره تولید و عدم تعادل در الگوی توزیع درآمد و ثروت ادامه داشت و موجب بروز فشارهای تورمی در جامعه گردید، آثارش در عدم موازنه بین رشد نقدینگی و تقاضای موثر و رشد عرضه کل ظاهر گشت، از طریق تورم وارداتی و فشار هزینه‌های تولید شدت یافت.

آنچه در ارتباط با تأثیر تورم بر فقر روشن است این است که در شرایط تورمی، وابستگی خانوارها به درآمدهای اسمی ثابت، تأثیر ملموسی بر فقر خانوارها بر جای می‌گذارد. به این ترتیب که با وقوع تورم، خانوارهایی که با درآمدهای اسمی ثابت یا تقریباً ثابت، بخش عمده و اصلی درآمد آن‌ها را تشکیل می‌دهد، با کاهش قدرت خرید و درآمد واقعی مواجه شده و در مواردی

نیز با مشکل تأمین نیازهای اساسی مواجه می‌شوند که ادامه‌ی این روند خانوارها را دچار پدیده‌ی فقر می‌کند به این ترتیب با توجه به این دلایل لازم شد که نرخ تورم در مدل گنجانده شود.

نمودار (۳) نرخ تورم طی سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۸۷

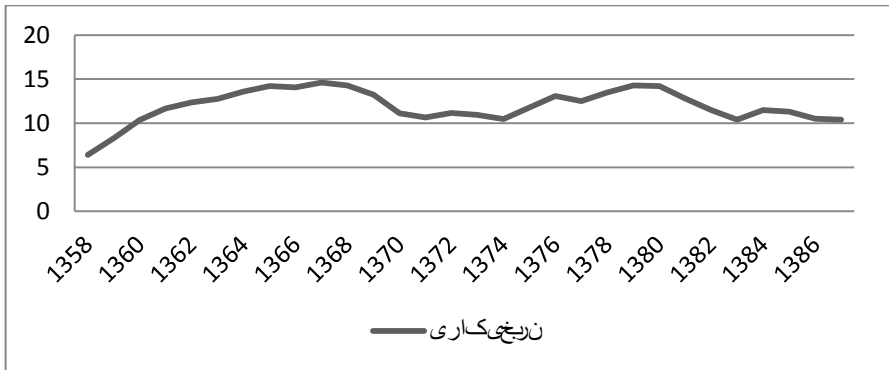


منبع یافته‌های محقق

نرخ بیکاری

با توجه به تعریف نرخ بیکاری که نسبت جمعیت بیکار به کل جمعیت فعال گفته می‌شود روند نرخ بیکاری در ایران طی سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۸۷ را در نمودار (۴) ملاحظه می‌کنید. دلیل اصلی انتخاب نرخ بیکاری در مدل مورد بررسی این است که نیروی کار مهم‌ترین منبع درآمد اغلب خانوارها بوده و بیکاری در شرایط رکود اقتصادی، بیش‌تر به خانوارهای با درآمد پایین تحمیل می‌شود. بر این اساس، وقوع بیکاری می‌تواند به کاهش شدید درآمد این خانوارها منجر شده و آن‌ها را از تأمین نیازهای اساسی در زندگی محروم کند. به این ترتیب، بیکاری فشار قابل ملاحظه‌ای را به اغلب خانوارها، بویژه خانوارهای کم درآمد وارد می‌کند و آن‌ها را به سمت فقر سوق می‌دهد. برعکس در شرایط رونق اقتصادی با ایجاد فرصت‌های جدید شغلی و افزایش تقاضا برای نیروی کار، بیکاری کاهش و در نتیجه درآمدها، بویژه درآمد گروه‌ها و خانوارهای کم درآمد و فقیر افزایش یافته، وضعیت زندگی آنان مطلوب‌تر شده و سرانجام از میزان فقر در جامعه کاسته می‌شود. (سوتوماپور، ۲۰۰۶؛ حسن زاده، ۱۳۷۹)

نمودار(۴) نرخ بیکاری طی سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۷

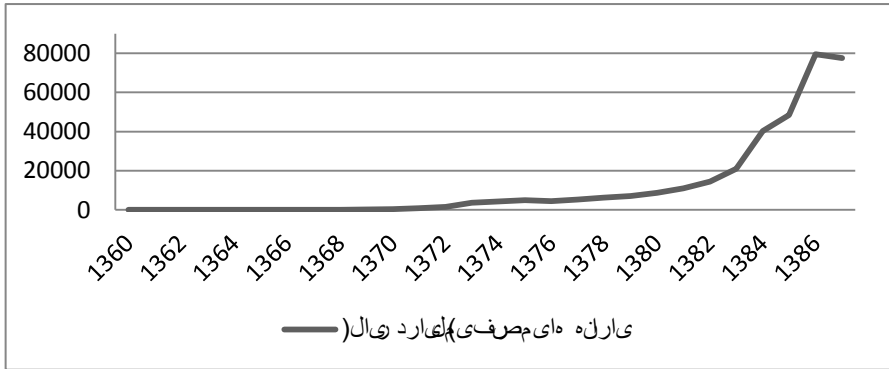


منبع یافته‌های محقق

یارانه‌های مصرفی

یارانه به جهت ایجاد و تعدیل در توزیع درآمدها و کاهش آثار ناشی از فشار تورم (یارانه مصرفی) و یا جهت کاهش هزینه‌های تولید و حمایت از تولیدکننده (یارانه تولیدی) پرداخت می‌شود. به این ترتیب هدف از پرداخت یارانه‌ها تخصیص بهینه منابع، تثبیت قیمت‌ها، ایجاد اعتدال بین عرضه و تقاضا و توزیع مجدد درآمدها می‌باشد. در جدول روند پرداخت یارانه‌های مصرفی خانوار طی سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۷ آمده‌است. با توجه به این که یارانه‌های مصرفی یک نوع کمک از جانب دولت به خانوارها می‌باشد و به نوعی از منابع اصلی و عمده‌ی درآمدهای اسمی ثابت را تشکیل می‌دهد و افزایش یارانه‌های مصرفی می‌تواند از طریق افزایش درآمد اسمی ثابت به کاهش فقر در جامعه منجر شود بنابراین به نوعی می‌تواند در روی کاهش یا افزایش نرخ فقر موثر باشد که هدف از لحاظ کردن آن در مدل امکان تأثیر آن بر نرخ فقر می‌باشد.

نمودار (۵) یارانه‌های مصرفی طی سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۷



منبع یافته‌های محقق

مدل رگرسیونی ARDL

در این مطالعه برای انجام آزمون همگرایی و تخمین مدل از الگوی خود توضیح با وقفه‌های گسترده^۱ (ARDL) و آزمون باند^۲ پسران و همکاران (۲۰۰۱) استفاده شده است.

روش ARDL

وجود همگرایی بین متغیرهای یک مدل اقتصادی نه تنها نشان‌دهنده وجود رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرهای آن مدل است، بلکه به این مفهوم است که می‌توان مدل مورد نظر را به روش OLS برآورد نمود. اما زمانی که حجم نمونه مورد بررسی کوچک باشد، استفاده از روش OLS باعث خواهد شد که برآوردهای به دست آمده تورش دار باشند و در نتیجه استنتاجات آماری که براساس آنها انجام می‌گیرد بی‌اعتبار خواهد بود. برای رفع این مشکل معمولاً از الگوهای پویا که تغییرات کوتاه مدت را نیز در می‌گیرند استفاده می‌شود.

آزمون‌های ثبات ساختاری

- ۱- آزمون CUSUM: براساس این آزمون مجموع تجمعی جملات پسماند یا خطا در هیچ سالی نباید از مقادیر بحرانی بیشتر یا کمتر باشد.
- ۲- آزمون CUSUMQ: براساس این آزمون مجموع تجمعی مربعات جملات پسماند نباید از مقادیر بحرانی بیشتر یا کمتر باشد.

1. Autoregressive Distributed Lag
2. Bounds Testing Approach

مقادیر بحرانی مربوط به این دو آزمون دارای یک حد بالا و یک حد پایین می‌باشد. ثبات ساختار مدل زمانی قابل قبول است که مقادیر محاسبه شده توسط این دو آزمون در دوره مورد نظر همواره بین این مقادیر بحرانی قرار داشته باشند.

مدل و بررسی متغیرهای اثرگذار بر نرخ فقر

با توجه به مبانی نظری و تجربی می‌توان نرخ فقر را در حالت نخست به صورت تابعی به شکل زیر در نظر گرفت:

$$lpoverty = f(LMWage, Inflation, Subsidy, Unemployment) \quad (3)$$

به طوری که:

$Lpoverty$: لگاریتم نرخ فقر به صورت درصدی

$LMWage$: لگاریتم حداقل دستمزد ثابت قانونی روزانه

$Inflation$: نرخ تورم سالانه به صورت درصدی

$Subsidy$: میزان یارانه‌های مصرفی خانوار

$Unemployment$: نرخ بیکاری سالانه به صورت درصدی

قابل توجه است که این مدل در مقاله ویدر (Wedder & Gallaway, 2002) تحت عنوان "حداقل دستمزد و فقر در میان کارگران تمام وقت" نیز بکار برده شده که ما نیز در اینجا از مدل بکار رفته در این مقاله استفاده کرده‌ایم و متغیرهایمان را انتخاب کرده‌ایم. به منظور تعیین نحوه و میزان تأثیر هر یک از متغیرهای نرخ تورم، نرخ بیکاری، حداقل دستمزد و یارانه‌های مصرفی بر نرخ فقر شهری در ایران از تابع فقر لگاریتمی استفاده شده است.

برآورد مدل با استفاده از الگوی ARDL

در این تحقیق به دلیل مزایای ذکر شده برای روش خود رگرسیون با وقفه‌های توضیحی از این روش برای بررسی رابطه میان نرخ فقر و حداقل دستمزد استفاده می‌گردد.

آزمون ریشه واحد

اگرچه در روش ARDL هیچ محدودیتی برای درجه انباشتگی متغیرها وجود ندارد، اما وجود متغیرهایی با درجه انباشتگی بزرگتر از ۲ می‌تواند باعث ایجاد اختلال در نتایج شود. به همین دلیل

ابتدا متغیرها از لحاظ پایایی مورد آزمون قرار گرفته‌اند. خلاصه نتایج آزمون ریشه واحد دیکی فولر در جداول زیر ارائه شده است.

جدول (۲) نتایج آزمون ریشه واحد متغیر نرخ فقر

متغیر نرخ فقر	با عرض از مبدا		با عرض از مبدا و روند زمانی	
	مقدار آماره	مقدار بحرانی	مقدار آماره	مقدار بحرانی
در سطح	-1.035194	-3.699871	-1.876471	-4.339330
با یک تفاضل	-4.291457	-3.711457	-4.269198	-4.356068
با دو تفاضل	-6.684299	-3.724070	-4.425505	-4.416345

منبع یافته‌های محقق

جدول (۳) نتایج آزمون ریشه واحد متغیر حداقل دستمزد

متغیر حداقل دستمزد	با عرض از مبدا		با عرض از مبدا و روند زمانی	
	مقدار آماره	مقدار بحرانی	مقدار آماره	مقدار بحرانی
در سطح	-6.606241	-3.711457	-4.539432	-4.467895
با یک تفاضل	-6.499511	-3.808546	-6.125649	-4.498307
با دو تفاضل	-5.003765	-3.831511	-2.108445	-4.532598

منبع یافته‌های محقق

جدول (۴) نتایج آزمون ریشه واحد متغیر یارانه‌های مصرفی

متغیر یارانه‌های مصرفی	با عرض از مبدا		با عرض از مبدا و روند زمانی	
	مقدار آماره	مقدار بحرانی	مقدار آماره	مقدار بحرانی
در سطح	-2.347766	-3.737853	-1.343651	-4.394309
با یک تفاضل	-0.112043	-3.737853	-0.910708	-4.612199
با دو تفاضل	-2.202777	-3.737853	-1.956716	-4.374307

منبع یافته‌های محقق

جدول (۵) نتایج آزمون ریشه واحد متغیر نرخ تورم

متغیر نرخ تورم	با عرض از مبدا		با عرض از مبدا و روند زمانی	
	مقدار آماره	مقدار بحرانی	مقدار آماره	مقدار بحرانی
در سطح	-3.360135	-3.711457	-4.703410	-4.467895
با یک تفاضل	-3.585187	-3.711457	-3.542714	-4.356068
با دو تفاضل	-5.876628	-3.737853	-5.762190	-4.394309

منبع یافته‌های محقق

جدول (۶) نتایج آزمون ریشه واحد متغیر نرخ بیکاری

متغیر نرخ بیکاری	با عرض از مبدا		با عرض از مبدا و روند زمانی	
	مقدار آماره	مقدار بحرانی	مقدار آماره	مقدار بحرانی
در سطح	-2.829095	-3.699871	-2.805199	-4.339330
با یک تفاضل	-4.979115	-3.724070	-4.889415	-4.374307
با دو تفاضل	-6.092007	-3.737853	-5.946395	-4.394309

منبع یافته‌های محقق

همان‌گونه که در جداول فوق مشاهده می‌گردد، متغیر حداقل دستمزد همگرا در سطح و متغیرهای نرخ فقر و نرخ بیکاری پایا از درجه یک یا II هستند و متغیر نرخ تورم پایا از درجه دو یا I2 می‌باشد. تحلیل به روش ARDL، بر پایه سه معادله پویا (کوتاه مدت)، بلندمدت و تصحیح خطا استوار است. نخست، معادله کوتاه‌مدت برای مدل تخمین زده خواهد شد سپس ضرائب بلند مدت برآورد می‌گردند. سپس مدل تصحیح خطای مرتبط با معادله بلندمدت از روش ARDL تخمین زده خواهد شد و در نهایت در مورد به بررسی ثبات ساختاری مدل خواهیم پرداخت.

تخمین روابط کوتاه‌مدت

به منظور برآورد رابطه کوتاه‌مدت یا پویا میان متغیرها، ابتدا باید به وسیله یکی از معیارهای آکائیک، ضریب تعدیل شده، شوارتز-بیزین و حنان-کوئین تعداد بهینه وقفه‌های مدل را مشخص نمود و چون معیار شوارتز-بیزین (SBC) امکان تخمین با کمترین وقفه را فراهم می‌کند، از این معیار استفاده می‌نماییم. روش کار به شرح زیر می‌باشد:

ابتدا متغیر وابسته را روی مقادیر وقفه دار آن رگرس می‌کنیم و با استفاده از معیارهای مذکور، تعداد وقفه بهینه را مشخص می‌نمائیم، سپس متغیر وابسته را روی تعداد وقفه انتخابی خود و متغیرهای مستقل با مقادیر وقفه دار رگرس نموده و بوسیله معیارهای فوق، تعداد بهینه وقفه متغیر مستقل را معین می‌نمائیم. نتایج حاصل از تخمین معادله کوتاه مدت در جدول زیر ارائه شده است.

$$Lpoverty=0.65919-0.14072LMWage+0.025738Unemployment+0.0047615Inflation+0.2172E-5Subsidy+0.55235lpoverty(-1)$$

(1.9934) (-3.6713) (2.0688) (2.5793)
(2.3527) (4.4603)

جدول (۷) نتایج برآورد مدل کوتاه‌مدت (مدل پویا)

Autoregressive Distributed Lag Estimates

ARDL(1) selected based on Schwarz Bayesian Criterion

Dependent variable is LPOVERTY, 24 observations used for estimation from 1364 to 1387

Regressor	Coefficient	Standard Error	T-Ratio[Prob]
LPOVERTY(-1)	.55235	.12384	4.4603 .000]
C	.65919	.33069	1.9934 .062]
UNEMPLOYMENT	.025738	.012441	2.0688 .053]
INFLATION	.0047615	.0018460	2.5793 .019]
LMWAGE	-.14072	.038330	-3.6713 .002]
SUBSIDY	.2172E-5	.9233E-6	2.3527 .030]

R-Squared .92070 S.E. of Regression .065233 F-stat. F(5, 18) 41.7978|.000]

Residual Sum of Squares .076597 Equation Log-likelihood 34.9125

Akaike Info. Criterion 28.9125 Schwarz Bayesian Criterion 25.3784

DW-statistic 1.9446 Durbin's h-statistic .17075|.864]

به طوری در نتایج بالا دیده می‌شود که یک درصد افزایش در حداقل دستمزد باعث کاهش در نرخ فقر به میزان ۱۴٪ می‌شود و افزایش یک درصدی در هر یک از متغیرهای نرخ تورم، نرخ بیکاری و یارانه‌های مصرفی منجر به افزایش نرخ فقر می‌گردد که ملاحظه می‌شود که مقدار ضریب متغیر یارانه‌های مصرفی خیلی کوچک می‌باشد که نشان از تأثیر کم این متغیر بر روی نرخ فقر می‌باشد. همان‌طور که مشاهده می‌شود تأثیر تمامی متغیرهای توضیحی حداقل دستمزد، نرخ تورم و یارانه‌ها در سطح ۵٪ معنی‌دار می‌باشد و متغیر نرخ بیکاری در سطح ۱۰٪ معنی‌دار می‌باشد و همچنین متغیر وابسته نیز که با یک دوره تأخیر در مدل وارد شده است معنی‌دار است.

بررسی خوبی برازش و خودهمبستگی

همان‌گونه که مشاهده می‌شود R^2 مدل (0.920720) در سطح مناسبی قرار دارد. آماره دوربین واتسون با مقدار $1/94$ نشان‌دهنده عدم وجود خودهمبستگی در مدل می‌باشد. آزمون واریانس ناهمسانی نیز بیانگر همسانی واریانس‌ها است.

تخمین ضرائب بلندمدت مدل برآورد شده از روش ARDL

پس از تخمین معادله کوتاه مدت ابتدا باید از وجود رابطه بلندمدت اطمینان حاصل نمود. بدین منظور با استفاده از یک آزمون این مسئله را بررسی می‌نمائیم. در این آزمون باید عدد یک را از مجموع ضرائب با وقفه متغیر وابسته کم و بر مجموع انحراف معیارهای ضرائب مذکور تقسیم نمود. اگر قدر مطلق t بدست آمده از مقادیر بحرانی موجود در جدول بنجری^۱، دولادو^۲ و مستر^۳ (۱۹۹۲) یعنی $3/27$ - بزرگتر باشد، فرضیه صفر را رد نموده و وجود رابطه بلندمدت تایید می‌گردد. این عدد در مدل محاسباتی در این تحقیق برابر با $3/61$ می‌باشد. پس از اطمینان از وجود رابطه بلندمدت، می‌توان روابط بلندمدت را برآورد و تفسیر نمود. نتایج حاصل از برآورد بلندمدت بصورت زیر است:

$$\begin{aligned} Lpoverty = & 1.4725 - 0.31438LMWage + 0.057496Unemployment + 0.010637Inflation + \\ & (2.7380) \quad (-4.0369) \quad (1.8105) \quad (2.5352) \\ & 0.4852E-5Subsidy \\ & (1.8435) \end{aligned}$$

جدول (۸) نتایج برآورد مدل بلندمدت

Estimated Long Run Coefficients using the ARDL Approach ARDL(1) selected based on Schwarz Bayesian Criterion

Dependent variable is LPOVERTY, 24 observations used for estimation from 1364 to 1387

Regressor	Coefficient	Standard Error	T-Ratio[Prob]
C	1.4725	.53781	2.7380[.014]
UNEMPLOYMENT	.057496	.031757	1.8105[.087]
INFLATION	.010637	.0041956	2.5352[.021]
LMWAGE	-.31436	.077871	-4.0369[.001]
SUBSIDY	.4852E-5	.2632E-5	1.8435[.082]

منبع یافته‌های محقق

1. Banerjee
2. Dolado
3. Mester

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد حداقل دستمزد تاثیر منفی و معنی‌داری در بلندمدت بر نرخ فقر دارد به طوری که با یک درصد افزایش در حداقل دستمزد، نرخ فقر به میزان ۰.۳۱٪ کاهش می‌یابد. دیگر متغیرهای کلان اقتصادی (نرخ تورم، نرخ بیکاری، یارانه‌های مصرفی) نیز تاثیر مثبت و معنی‌داری بر نرخ فقر دارند که در اینجا نیز میزان بیکاری به سطح ۱۰٪ معنی‌دار می‌باشد به گونه‌ای که با افزایش در هر یک از متغیرها، نرخ فقر افزایش می‌یابد.

آزمون تصحیح خطا (ECM^1) برای مدل برازش شده به روش ARDL ویژگی مهم این مدل، آن است که مشخصات داده‌ها را قبل از انتخاب تکنیک‌های تخمین مدل، کاملاً آزمون می‌نماید؛ به علاوه ساختار وقفه‌ها بر اساس فرآیند تولید داده‌ها برای متغیرها انتخاب می‌شوند نه بر اساس تئوری‌های اقتصادی. ECM اطلاعات مربوط به هر دو خواص بلندمدت و کوتاه مدت مدل را با عدم تعادل در فرآیند تعدیل بلندمدت نشان می‌دهد. هنگامی که هم انباشتگی وجود ندارد با هر شوکی که باعث ایجاد عدم تعادل شود، یک فرآیند تعادلی پویا این عدم تعادل را برای رسیدن به تعادل بلندمدت به تدریج از میان می‌برد. ECM نوسانات کوتاه‌مدت مدل متغیر را به مقادیر بلندمدت آنها ارتباط می‌دهد، همچنین این آزمون تغییرات متغیر وابسته را به خطای تعادل دوره قبل مرتبط می‌سازد. ضریب ECM نشان می‌دهد که در هر دوره چند درصد از عدم تعادل کوتاه مدت به منظور رسیدن به مقادیر بلندمدت تعدیل می‌گردد. نتایج حاصل در جدول زیر مشاهده می‌گردد.

جدول (۹) نتایج برآورد الگوی ECM

Error Correction Representation for the Selected ARDL Model
ARDL(1) selected based on Schwarz Bayesian Criterion

Dependent variable is dLPOVERTY, 24 observations used for estimation from 1364 to 1387

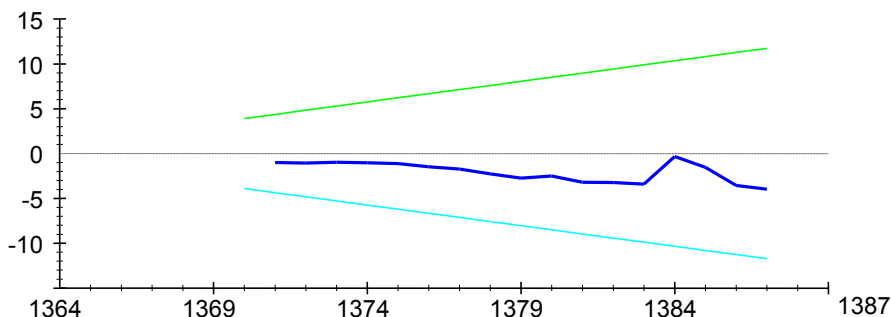
Regressor	Coefficient	Standard Error	T-Ratio[Prob]
dC	.65919	.33069	1.9934[.062]
dUNEMPLOYMENT	.025738	.012441	2.0688[.053]
dINFLATION	.0047615	.0018460	2.5793[.019]
dLMWAGE	-.14072	.038330	-3.6713[.002]
dSUBSIDY	.2172E-5	.9233E-6	2.3527[.030]
ecm(-1)	-.44765	.12384	-3.6148[.002]

منبع یافته‌های محقق

همان‌طور که مشاهده می‌شود ضریب تصحیح خطا در محدوده $0 < ECM < 1$ قرار داشته و معنی‌دار می‌باشند. ضریبی تعدیل در این مدل $0/44$ - به دست آمده است یعنی در هر دوره در حدود ۴۴ درصد از عدم تعادل از بین می‌رود و به مقدار بلندمدت خود نزدیک می‌گردد.

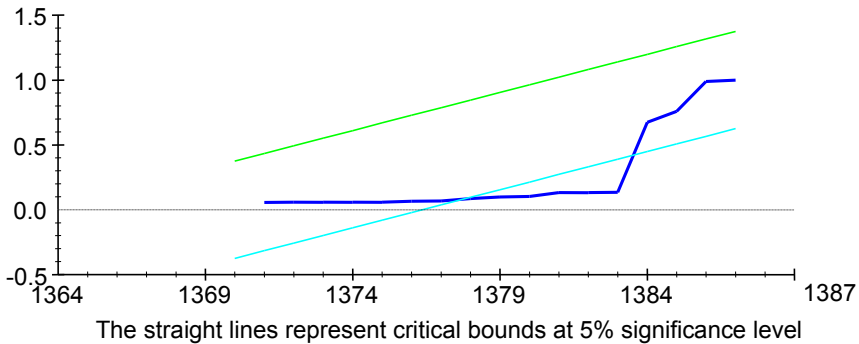
نتایج بررسی استحکام مدل با استفاده از آزمون‌های $CUSUM$ و $CUSUMQ$

بر اساس دو آزمون $CUSUM$ و $CUSUMQ$ و با توجه به اینکه مدل به روش $ARDL$ برآورد شده است می‌توان گفت که مدل برآورد شده از استحکام مناسبی برخوردار است، زیرا آزمون منحنی مورد نظر بین فواصل اطمینان قرار دارد که نتایج آن در نمودارهای زیر مشاهده می‌شود.



نمودار (۷) نتیجه استحکام مدل با استفاده از آزمون $CUSUMQ$

1. Cumulative Sum
2. Cumulative Sum of Square



منبع یافته‌های محقق

نمودار CUSUM نشان می‌دهد که در سطح ۵٪ پایداری رابطه بلندمدت قابل تأیید است و نمودار CUSUMQ همان طور که قابل ملاحظه است یک مقدار از خط بیرون زده که مربوط به سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۴ می‌باشد که تقریباً در سطح ۵٪ پایداری رابطه بلند مدت نیز قابل تأیید می‌باشد.

نتیجه‌گیری

افزایش حداقل دستمزدها در اقتصاد کشورها، بویژه در اقتصاد ایران، معمولاً یکی از مسائل مهم و اساسی است که هر ساله دولت را با چالش جدی مواجه می‌سازد. دخالت دولت برای تعیین حداقل دستمزد از یک سو سبب می‌شود کارفرمایان و بنگاه‌های اقتصادی در مقابل افزایش حداقل دستمزد با کاهش استخدام نیروی کار و اخراج کارگران واکنش نشان دهند و از سوی دیگر، با افزایش حداقل دستمزد تا حد زیادی از کاهش قدرت کارگران در برابر رشد قیمت‌ها جلوگیری شود.

با توجه به یافته‌های پژوهش که ضریب حداقل دستمزد منفی و از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد در این صورت افزایش در میزان حداقل دستمزد موجب کاهش نرخ فقر می‌شود، بنابراین با توجه به بدست آمده می‌توان دریافت که در ایران می‌توان از سیاست‌های پولی و مالی برای کنترل نرخ فقر بهره گرفت. از آنجا که هر یک از سیاست‌های کلان اقتصادی تأثیر خود را از طریق برخی از متغیرهای کلان اقتصادی بروز می‌دهند، باید توجه داشت که در شرایط موجود ایران، استفاده از سیاست‌های افزایش دهنده حداقل دستمزدها در شرایط تورمی نمی‌تواند موجب

کاهش نرخ فقر در ایران شود. اما با در نظر گرفتن تأثیرات نرخ‌های بیکاری و تورم، تمرکز بر سیاست‌های تاثیرگذار بر این دو متغیر می‌تواند در تغییر نرخ فقر در ایران ثمر بخش باشد. در این بین تمرکز بر نرخ بیکاری می‌تواند نتایج ملموس‌تر و امیدوارکننده‌تری را برای کشور به ارمغان آورد. اتخاذ سیاست‌های بهبود بازار کار متضمن افزایش اشتغال در مناطق روستایی و شهری، بایستی در اولویت سیاست‌های کاهش نرخ فقر در ایران قرار گیرد. هر چند توجه به سیاست‌های کاهنده‌ی نرخ تورم (سیاست‌های انقباضی پولی) نیز به نوبه‌ی خود می‌تواند موضوع قابل توجهی در کاهش نرخ فقر در کشور باشد.

منابع

- ابونوری، اسمعیل، رضا عباسی قادی (۱۳۸۶)، برآورد اثر رشد اقتصادی بر فقر در ایران، *فصلنامه‌ی پژوهش‌های اقتصادی ایران*، سال نهم، شماره‌ی ۳۰: ۵۲-۲۳.
- ارائی، سیدمحمد مهدی (۱۳۸۴)، آسیب‌شناسی برنامه‌های فقر زدائی در ایران، *فصلنامه‌ی علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال پنجم، شماره‌ی ۱۸.
- ازوجی، علاءالدین (۱۳۸۶)، *بهره‌وری و مزد*، مؤسسه‌ی کار و تأمین اجتماعی.
- آمارتیا سن (۱۳۸۶)، *نابرابری اقتصادی*، ترجمه‌ی وحید محمودی و عزت‌الله عباسیان، همدان، نشر نور علم.
- باقری، فریده و نیما دانشور و حسین کاوند (۱۳۸۶)، روند خط فقر و شاخص‌های فقر در ایران طی سال‌های ۸۵-۱۳۷۵، *گزیده‌ی مطالب آماری*، شماره‌ی ۲: ۷۱-۸۲.
- باقری، فریده و خلیل حیدری و سیدحسین پیمان (۱۳۸۳)، "محاسبه‌ی خط فقر در ایران طی سال‌های ۸۲-۱۳۸۰، مرکز آمار ایران، پژوهشکده آمار.
- پژویان، جمشید؛ علیرضا امینی (۱۳۸۰)، *آزمون تجربی اثر قانون حداقل دستمزد بر اشتغال گروه‌های جمعیتی جوان در اقتصاد ایران*، *فصلنامه‌ی پژوهشنامه اقتصادی*، سال اول، شماره‌ی ۲: ۷۴-۵۷.
- پژویان، جمشید (۱۳۷۵)، فقر، خط فقر و کاهش فقر، *مجله‌ی برنامه و بودجه*، شماره‌ی ۲: ۶۰-۴۳.
- تشکینی، احمد (۱۳۸۴)، *اقتصادسنجی کاربردی به کمک Microfit*، مؤسسه‌ی فرهنگی هنری دیباگران تهران، چاپ اول، تهران.

- حاجیها، فاطمه (۱۳۷۹)، نگرش تطبیقی بر قانون کار جمهوری اسلامی ایران و موازین بین‌المللی در زمینه مزد، قسمت اول، کار و جامعه، شماره ۳۴: ۵۴-۴۸.
- حسن‌زاده، علی (۱۳۷۹)، بررسی عوامل موثر بر فقر: مطالعه موردی ایران، فصلنامه‌ی پژوهش‌های اقتصادی ایران: ۱۸۳-۱۳۵.
- حیدری، خلیل (۱۳۸۵)، اصلاح نظام پرداخت یارانه کالاهای اساسی در ایران (با تأکید بر هدفمندی)، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ اول، تهران.
- حداداد کاشی، فرهاد و فریده باقری و خلیل حیدری (۱۳۸۱)، اندازه‌گیری شاخص‌های فقر در ایران، مرکز آمار ایران، گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی.
- دینی ترکمانی، علی (۱۳۸۴)، یارانه‌ها، رشد و فقر، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۸.
- راغفر، حسین (۱۳۸۴)، فقر و ساختار قدرت در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، گروه پژوهش و رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۷: ۲۸۸-۲۴۹.
- زیبایی، منصور، عبدالرسول شیروانیان (۱۳۸۸)، بررسی اثرات متغیرهای کلان بر نرخ فقر شهری و روستایی در ایران، اقتصاد کشاورزی، جلد ۳، شماره ۲: ۳۶-۱۵.
- سبحانی، حسن (۱۳۸۴)، "بررسی روش‌های تعیین حداقل دستمزد در شرایط نوسانات اقتصادی، مجله کار و جامعه، شماره ۶۷-۶۸: ۷-۲۳.
- سپهری، محمدرضا (۱۳۸۳)، مقاله‌نامه‌های بین‌المللی کار (۲۰۰۴-۱۹۱۹)، چاپ اول، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، ۱۲۷۷ص.
- سعیدنیا، پیمان (۱۳۸۵)، ارزیابی اثرات تعیین حداقل دستمزد بر اشتغال ایران (۱۳۷۵-۱۳۵۰)، مجله‌ی کار و جامعه، شماره ۷۹-۸۰: ۴-۱۵.
- عیسی‌زاده، سعید. پیمان سعیدنیا (۱۳۸۳)، حداقل دستمزد و روش‌های تعیین آن، بررسی‌های بازرگانی، شماره ۷: ۲۱-۲۹.
- قره‌باغیان، مرتضی (۱۳۷۶)، فرهنگ اقتصاد و بازرگانی، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ دوم.
- کاظمی، حمید (۱۳۸۰)، نظام‌های حقوق و دستمزد، چاپ اول، ناشر: مؤلف، ۲۴۴ص.
- متوسلی، محمود، سعید صمدی (۱۳۷۸)، شناخت جنبه‌های اقتصادی سیاست‌های کاهش فقر، مجله‌ی تحقیقات اقتصادی، شماره ۵۵: ۹۸-۶۵.

محمودی، وحید (۱۳۸۱)، اندازه‌گیری فقر در ایران، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۲۴: ۵۷-۲۷.

معنوی، مهران (۱۳۸۰)، اثر پرداخت یارانه کالاهای اساسی بر فقر و شاخص‌های فقر، مجله اقتصادی، دوره دوم، سال دوم، شماره‌ی ۲۱ و ۲۲: ۳۸-۲۱.

مجتبوی نائینی، سید مهدی (۱۳۷۲)، فرهنگ اصطلاحات کار و تأمین اجتماعی، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.

نجم، لعی (۱۳۸۶)، محاسبه خط فقر در ایران طی سال‌های ۸۵-۱۳۸۳، اداره تحقیقات و مطالعات آماری بانک مرکزی.

نوفروستی، محمد (۱۳۸۷)، ریشه واحد و همجمعی در اقتصاد سنجی، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول.

Addison J.T and Blackburn L.(1998), "Minimum Wage and Poverty", Discussion Paper No. 98-42.

Bagheri F. (2004), "Poverty Line Estimation in Iran 1991-2001", International Conference on Official Poverty Statistics.

Bell, L.A. (1997), "The impact of minimum wages in Mexico and Colombia", *Journal of Labour Economics* 15 (3): S102-35, Chicago.

Bernstein J. (1999), "Minimum Wages and Poverty", www.econ.org

Burkhauser, Richard and Sabia.J (2008) "Do minimum wage increases reduce poverty? An American perspective", University of Melbourne.

Fields, Gary and Kanbur.R (2005) "Minimum Wage and Poverty", Cornell University.

Fields, Gary and Han.B and Kanbur.R (2007) "Poverty Effects of the Minimum Wage: The Role of Household Employment Composition", Cornell University Ithaca, NY 14853-3901.

Fougère, Denis and Gautier.E and Le Bihan.H (2009) "Restaurant Prices and the Minimum Wage", Discussion Paper No. 4070.

Gindling.T.H and Terrell.k (2006) "Minimum Wages, Globalization and Poverty in Honduras", Discussion Paper No. 2497.

Leigh Andrew (2005), "Minimum Wages and Inequality", <http://gov.hk> (PDF).

Lemos, Sara (2009) "Minimum wage effects in a developing country", *Labour Economics* 16 (2009) 224-237.

Muller K. and Steiner V.(2008), "Would a Legal Minimum Wage Reduce Poverty? A Microsimulation Study for Germany", Discussion Paper No. 3491.

Murray S. & Hugh M. (2007), "Bringing Minimum Wages above the Poverty Line", Canadian Centre for Policy Alternatives.

Salehi-Isfahani J. (2006), "Revolution and Redistribution in Iran: Poverty and Inequality 25 years Later", Department of Economics.

Sotomayor, O. J. (2006). "Macroeconomic performance and poverty in Brazil" *Journal of Development Studies*, 42: 139-157.

Thomas W. & Volscho, Jr.(2005), "Minimum Wages and Income Inequality In The American states: 1960-2000", *Research in Social Stratification and Mobility*, Research in Social Stratification and Mobility, Volume 23, 343-368

Vassilis T. Rapanos (2005), "Minimum Wages and Income Distribution in the Harris-Todaro Model", *Journal of Economic Development*, Vol 30 (1) , June.

Vedder, Richard and Gallaway.L, (2001), "Does the Minimum Wage Reduce Poverty?", Ohio University.

Archive of SID